

روزنامه‌نگاری در هندوستان

○ فاطمه دستور نیکو

مذکور، ترجمه‌های دیگر را نیز به علاقه‌مندان و کتاب‌دوستان عرضه کرده است. در این میان، می‌توان به کتاب‌های گرایش‌های اصلی پژوهش در تکنولوژی‌های نوین ارتباطات، تکنولوژی‌های جدید ارتباطی، خشونت و وحشت در رسانه‌ها، میراث فرهنگی، چالش‌ها و ضرورت‌ها و ارتباطات در ژاپن، اشاره کرد.

در فصل نخست کتاب که مقدمه آن محسوب می‌شود، چگونگی شکل‌گیری روزنامه در اروپا و آمریکا به صورت گذرا مورد بررسی قرار گرفته است. در این فصل، به اسطوره‌های در هند باستان به نام «نارادا» اشاره شده که در اصطلاح امروز، گزارشگری بی‌نظیر است. او، سوار بر ابرها از اینجابه آنجا سفر می‌کند. نخستین پرسشی که همواره از او پرسیده می‌شود، این است: «نارادا، چه خبر؟»

فصل دوم به معرفی پیشگامان حرفه‌ی روزنامه‌نگاری در هندوستان می‌پردازد. بدیهی است هندوستان، به عنوان مستعمره‌ی بریتانیا در آغاز، مطبوعاتی پیرو و متأثر از مطبوعات انگلستان داشته است. از این رو تعجبی ندارد که امتیاز انتشار نخستین روزنامه‌ی هند (هفته‌نامه «گازت بنگال»^۱) را یک انگلیسی (جیمز آگوستس هابکی) کسب کرده باشد (۱۷۸۰ میلادی). در این فصل، «جیمز سیلک باکینگهام» به عنوان پدر روزنامه‌نگاری هندوستان معرفی می‌شود. او در سال ۱۸۱۸ میلادی، به عنوان سردبیر مجله‌ی «وقایع نامه‌ی کلکته» وارد هندوستان شد. نهری، او را از نخستین مدافعان آزادی مطبوعات در هند معرفی می‌کند.

فصل سوم به بررسی فعالیت‌های نخستین قهرمان آزادی مطبوعات در هند، «راجا رام موهون روی» اختصاص داده شده است. او برهمن زاده‌ای مسلط به زبان‌های فارسی، عربی، سانسکریت و انگلیسی بود. موهون روی، از مبارزان اصلاحات اجتماعی هند محسوب می‌شود. نهری، او را بنیان‌گذار مطبوعات هند می‌داند. او از همان ابتدا، مخالفت دولت و جامعه‌ی اروپاییان را که از سرسختی او در اجرای اصلاحات اجتماعی وحشت داشتند، برانگیخت. نظرات

○ رانگاسوامی پارتا ساراتی، روزنامه‌نگاری در هندوستان، مترجم: داوود حیدری، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۵۵۵ صفحه، وزیری، شمیز.

عنوان اصلی کتاب - که به زبان انگلیسی نوشته شده - Journalism in India, From the Earliest Times to the Present Day است که در سال ۱۹۹۱ میلادی به وسیله Sterling publishers private limited انتشار یافته است.

این کتاب به بررسی زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و تاریخی روزنامه‌نگاری هندوستان، از زمان سلطه انگلیسی‌ها تا پس از استقلال هند - پایان نخست وزیری «چاندرا شکار» (۱۹۹۱) - می‌پردازد. در این میان با بررسی روزنامه‌نگاران برجسته و نشریات تأثیر گذار، خط مشی آنها را نیز شرح می‌دهد.

روزنامه‌نگاری به شیوه‌ای یکسان در کشورهای جهان رشد نیافته است. بررسی روند و چگونگی رشد نشریات در کشورهای جهان، حاکی از شباهت‌ها و تفاوت‌های چندی در تاریخچه و چگونگی رشد آنها است. روزنامه‌نگاری در هندوستان، تولد و رشد روزنامه‌نگاری هند را در برهه‌ای از تاریخ این کشور به رشته تحریر کشیده است. مطالعه این اثر که در نگارش آن بیش از ۷۵ منبع مورد استفاده قرار گرفته، به دانشجویان رشته‌ی روزنامه‌نگاری همچنین به علاقه‌مندان و دست‌اندرکاران مطبوعات کشور در سطوح تحصیلی گوناگون پیشنهاد می‌شود.

معمولاً در مقدمه و آغاز کتاب، بخشی به معرفی نویسنده و یا مترجم و آثار دیگر ایشان اختصاص می‌یابد. ولی، متأسفانه، این کتاب فاقد چنین معرفی‌نامه‌ای است. هرچند اطلاعاتی در مورد نگارنده‌ی اثر در دسترس نمی‌باشد، ولی شایان ذکر است که آقای داوود حیدری، از مترجمان فعال در حوزه رسانه‌ها است. ایشان علاوه بر ترجمه کتاب

سیاسی او سنگ بنای اصلی لیبرالیسم و اصالت فرد در قرن ۱۹ هندوستان به شمار می‌رود.

طی چهل سال انتشار نشریات در هند (۱۸۱۶-۱۷۸۰)، کنترل مطبوعات در اختیار اروپاییان بود. نویسنده، نشریات این دوران هند را به دو گروه نشریات انگلیسی - هندی (نشریات تحت مالکیت انگلیسی‌ها) و نشریات بومی (نشریات تحت مالکیت هندیان) تقسیم می‌کند. در این دوران هرچند برخی مطبوعات بومی، مخالف حکومت بودند ولی ضد انگلیس نبودند.

فصل چهارم کتاب به بررسی نبرد هندیان برای انجام اصلاحات اجتماعی در هند می‌پردازد. در سال‌های آغازین فعالیت مطبوعات بومی در هندوستان، اصلاحات اجتماعی، عمده‌ترین موضوع مورد بحث نشریات هند محسوب می‌شد. در این فصل، از پیشگامان و شخصیت‌ها برجسته اصلاحات اجتماعی در هند، همچون بهرام مالابری، مهادهو گوویند راناده، واسودتو بالوانت پادکه و وپال راتوهاری دشموخ، سخن به میان می‌آید و فعالیت مطبوعاتی آنان مورد بررسی قرار می‌گیرد. این اصلاح طلبان، تلاش خود را جهت مبارزه وسیع

علیه مصائب ناشی از آداب و سنن نابجا و نادرست هندیان به کار بستند. اینان در نشریات خود، خواستار شرکت زنان متاهل در امتحانات ورودی دانشگاه‌ها، در اولویت قرارگیری استخدام دولتی دختران، حمایت دولت از زنان بیوه جوان در برابر سوءاستفاده‌های اجتماعی، محکوم کردن ازدواج دختران در سنین کودکی در کتاب‌های مدارس، افزایش سن ازدواج دختران، اجازه ازدواج مجدد زنان بیوه و مبارزه علیه سوزاندن همسران پس از مرگ شوهران آنها بودند و به تبلیغ این امور می‌پرداختند. جمعی نیز، به آزادی بیان و مبارزه با سردمداران حکومت بیگانه توجه کردند و دست به نگارش مطالبی در این ارتباط زدند. در این میان، گروهی از اصلاح طلبان هندی، نه تنها معتقد به حفظ

ارتباط با انگلستان، بلکه طرفدار حکومت انگلیس بر هندیان بودند. در آن میان، دشموخ از روزنامه‌نگاران پیشرو و از برهمن‌های چیتاوان، معتقد بود که حکومت خارجی به رغم تمامی کاستی‌ها، مرحله‌ای ضروری برای آموزش مردم است. او خواهان حضور انگلستان در هند و انجام اصلاحات اجتماعی به کمک انگلیسی‌ها بود.

بررسی مطبوعات سرشناس انگلیسی - هندی در هندوستان قرن ۱۹، در فصل پنجم، انجام می‌گیرد. در این فصل، فعالیت‌ها و افت و خیزهای روزنامه‌های «انگلیشمن»^۱، «تایمز آو ایندیا»^۲، «مدرس تایمز»^۳، «مدرس میل»^۴، «پایونیر»^۵ و «نشریه نظامی و غیرنظامی»^۶ و سردبیران و روزنامه‌نگاران برجسته آنها به قلم کشیده شده است. روزنامه‌نگار برجسته این دوران، «رودیارد کیپلینگ»، داستان‌نویس و شاعر بزرگ قرن نوزدهم است. او، هفت سال در جامعه روزنامه‌نگاری

هند فعالیت کرد. کیپلینگ، امپراتوری هند را دستگاه عظیمی می‌دانست که باید مدام تحت رهنمودهای اساسی قرار گیرد. در این فصل به وسایل ارتباطی جمعی و تأثیر آن بر نشریات نگاشته شده است. وضع قوانین علیه مطبوعات، به ویژه مطبوعات بومی، در این دوران به شدت ادامه داشت.

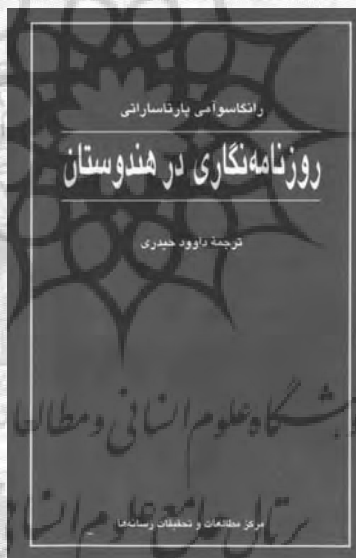
فصل ششم تحت عنوان «غوغای ملی‌گرایی»، به روزنامه‌نگاران مشعلدار ملی‌گرایی در هند، نظیر «سورندرنات بانرجی» و «بی‌پین چاندرا پال» می‌پردازد. اینان خواهان پایان سلطه بریتانیا بر هند و کسب استقلال و آزادی هندوستان بودند. در سال ۱۸۸۵، کنگره ملی هند، در حالی که یک سوم اعضای آن روزنامه‌نگار بودند، تأسیس شد. خواست‌های اساسی کنگره ملی، در آغاز عبارت بودند از: تعمیم حقوق مدنی و سیاسی مردم، افزایش کارکنان بومی در دستگاه حکومت، تقویت دموکراسی پارلمانی از طریق قانون‌گذاری، تقویت صنایع هند و آزادی مطبوعات. در این هنگام، روزنامه‌های انگلیسی - هندی، مبارزه برضد کنگره ملی هند را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار دادند، در حالی که نشریات بومی به دفاع از مواضع کنگره ملی پرداختند. نشریات بومی، با تحریم کالاهای انگلیسی به موفقیت

جنبش ملی‌گرایی هند کمک کردند.

«شیر ماهاراشترا»، عنوان فصل هفتم کتاب، به معرفی «لوکمانیا پال گنگادهار تیلاک»، از معروف‌ترین روزنامه‌نگاران و مبارزان سیاسی می‌پردازد. تیلاک که زاده شهر «ماهاراشترا» بود، به دلیل وسعت آگاهی، سبک نگارش نافذ، صراحت لهجه، تلاش خستگی‌ناپذیر و انسان دوستی بی‌حد و حصر، شهرت یافت. او، به ویژه نسل جوان را جذب کرد. حکام انگلیسی، او را پدر ناآرامی‌های هند قلمداد می‌کردند، تیلاک، نخستین شخصیت هندی بود که به اهمیت ارتباط جمعی پی برد و توانست از احساسات مذهبی محافظه‌کارانه به نفع فعالیت‌های سیاسی بهره برداری کند. دستاورد او برای جنبش ملی‌گرایی، تعمیم ابعاد این جنبش در سطحی بسیار فراگیرتر از لیبرالیسم غربی بود.

تیلاک، با همکاری تعدادی از همفکران خود و اعضای افراطی جنبش ملی‌گرا، «ائتلاف ملی گرایان افراطی» را بنا نهاد و به این ترتیب، شکاف میان تندروها و میانه‌روها در کنگره ملی هند رو به فزونی نهاد. با آغاز جنگ جهانی اول، تیلاک، نخستین ملی‌گرای هندی بود که با اعلام حمایت خود از دولت بریتانیا در جنگ، جوانان هند را به شرکت و ثبت نام در ارتش انگلیس تشویق کرد و به این ترتیب، راه او نه تنها از راه گاندی، بلکه از راه سایر همقطاران افراطی او نیز جدا گردید.

در این فصل به طلوع و غروب و بعضاً رشد برخی نشریات در قرن ۱۹ هندوستان اشاره شده است، از جمله می‌توان به هفته‌نامه «هند جوان»^۷ و روزنامه «امریتا بازار پاتریکا»^۸ اشاره کرد. در مجموع، نفوذ و اعتبار روزنامه‌های بومی هند، در خلال این دوره فزونی گرفت و با افتادن رهبری جنبش ملی‌گرایی به دست گاندی، به اوج خود



رسید.

فصل هشتم، به بررسی انقلاب توسط گاندی می‌پردازد. او، رهبر جنبش ملی هند و بنیان‌گذار روزنامه هند جوان و هفته‌نامه «ناوجیوان»^{۱۱} بود. گاندی، مخالف چاپ آگهی در نشریات بود و باور داشت که روزنامه باید با درآمد ناشی از حق اشتراک روی پای خود بایستد. او، هنگام نگارش مقاله در انتخاب واژه‌ها و سواص خاصی داشت. گاندی بر این باور بود که تعطیلی روزنامه بر تمکین در برابر تعرض دولت به آزادی مطبوعات ترجیح دارد.

در سال ۱۹۲۲، گاندی به اتهام نگارش مقالات تحریک‌آمیز محاکمه و به شش سال زندان محکوم شد. در زندان، گاندی علیه نظام نجس بودن کاست «نجس‌ها» نشریه «هاريجان»^{۱۲} را پایه‌گذاری کرد. او بر این کاست نام هاریجان، به معنی «فرزندان خدا»، نهاد. هاریجان به ارگان مقدس رهبران کنگره ملی هند بدل شد. او در سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۶، سه مبارزه علیه حکومت بیگانه به راه انداخت که بزرگترین آنها، جنبش عدم همکاری و جنبش عدم خشونت، موسوم به «جنبش نمک» بود. نهره، از مبارزان راه آزادی هند و از رهبران کنگره ملی، روزنامه «نشنال هرالده»^{۱۳} را پایه‌گذاری کرد. در این دوران، تنها پشتوانه روزنامه‌های بومی، حمایت رهبران جنبش ملی‌گرایی هند از آنها بود. نبرد برای آزادی مطبوعات، در سال ۱۹۳۰ شدت گرفت و با آغاز جنبش نافرمانی و پایان بخشیدن به حکومت انگلیس در سال ۱۹۴۲ به اوج خود رسید.

فصل نهم به قوانین محدودکننده‌ای که توسط فرمانداران انگلیسی بر مطبوعات هند اعمال می‌شد، اشاره می‌کند. این قوانین، بیشتر نشریات طرفدار جنبش ملی‌گرایی را هدف قرار می‌دادند. سرانجام، در سال ۱۹۴۶، وزرای موردحمایت مردم هند، زمام امور را در ایالات هند به دست گرفتند و حکومت موقت به رهبری جواهر لعل نهره، در دهلی تشکیل شد. نهره که از عملکرد مطبوعات خشنود نبود، به نوعی سانسور در ارایه اخبار به مطبوعات متوسل شد.

در فصل دهم قوانین حاکم بر مطبوعات هند، از آغاز تا انحلال حکومت بیگانه مورد بررسی قرار گرفته است. این قوانین، اکثراً برضد نشریات بومی هند اعمال می‌شد. با آغاز جنبش عدم همکاری از سوی کنگره ملی به رهبری گاندی در سال ۱۹۳۰، حکومت هند فرمان قانون مطبوعات (اختیارات فوق‌العاده) را صادر کرد. این فرمان به دولت اجازه می‌داد تا از تمامی چاپخانه‌ها و روزنامه‌ها وثیقه مطالبه و در صورت چاپ و انتشار مقاله‌های تحریک‌آمیز، وثیقه‌ها را توقیف کند. این فرمان در سال ۱۹۳۵ به قانون بدل شد.

بررسی مطبوعات در هند آزاد، در فصل یازدهم ارایه شده است. کمیته بررسی قوانین مطبوعات و شورای مطبوعات

از نهادهای دولتی بودند که در راستای پاسداری از آزادی مطبوعات، سانسور مطالب بحث‌انگیز، ارتقای کیفی مطبوعات، بهبود شرایط کار، ارتقای کیفی ماشین‌آلات چاپ و جلوگیری از تمرکز و انحصار مطبوعات به فعالیت پرداختند.

در فصل دوازدهم، مطبوعات بومی زبان پیشتاز معرفی شده‌اند. در این فصل، مطبوعات بومی زبان هند، یعنی نشریاتی به زبان‌های هندی، اردو، بنگالی، مالایالام، ماراتی، گجراتی، کانداپی، تلگو و تامیلی، همچنین، روزنامه‌نگاران سرشناس این مطبوعات مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

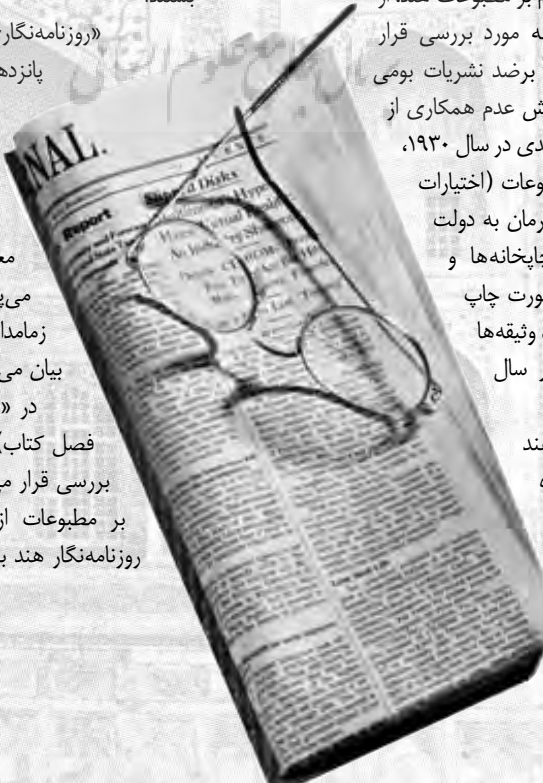
فصل سیزدهم به معرفی مطبوعات هندی که پیش از یک قرن سابقه فعالیت دارند، می‌پردازد. این نشریات، سه روزنامه تحت مالکیت هندیان به نام‌های امریتا بازار پاتریکا، هندو^{۱۴} و تربیبون^{۱۵} و دو روزنامه تحت مالکیت انگلیسی‌ها به نام‌های تایمز آوآیندیا و استیتسمن را شامل می‌شود. با آزادی هند، این دو نشریه نیز، به تدریج به مالکیت هندیان درآمدند.

در این فصل، فعالیت این پنج نشریه، سردبیران برجسته، نویسندگان سرشناس و فراز و فرودهای آنها به چالش کشیده شده است. قدیمی‌ترین نشریه انگلیسی زبان هند و از معتبرترین روزنامه‌های امروزی هند، تایمز آوآیندیا است که به لحاظ تیراژ، دومین نشریه انگلیسی زبان هند به شمار می‌آید.

در فصل چهاردهم، روزنامه‌نگاران برجسته راه آزادی هند معرفی شده‌اند. نگارنده، این روزنامه‌نگاران را در دو گروه معرفی می‌کند: گروه اول، غیرهندی‌هایی هستند که هند را به عنوان وطن خود برگزیده‌اند و در راه آزادی هند از جان مایه گذاشته‌اند. از جمله «بی. جی. هورنمین» انگلیسی و «آرتور مور» ایرلندی. گروه دوم شامل روزنامه‌نگاران سرشناس هندی همچون «اس. سالاناند»، «چالاپاتی راتو»، «کی راما راتو»، «ان. راگوناتان» و... می‌شود. هریک از اینان، به عنوان سردبیر و روزنامه‌نگاری برجسته در راه آزادی هند کمر همت بستند.

«روزنامه‌نگاری هند به کجا می‌رود؟»، عنوان فصل پانزدهم این کتاب است که روند روزنامه‌نگاری و مسایل جامعه روزنامه‌نگاران، پس از استقلال هند را به اطلاع خوانندگان می‌رساند و چگونگی رشد مطبوعات هندوستان را ترسیم می‌کند. این فصل، به معرفی روزنامه‌نگاری پژوهشی در هند می‌پردازد و مسایل و مشکلات نشریات در دوران زمامداری نهره، ایندیرا گاندی و راجیو گاندی را بیان می‌کند.

در «پی‌نوشت»، عنوان فصل شانزدهم (آخرین فصل کتاب) قوانین مطبوعاتی پس از آزادی هند مورد بررسی قرار می‌گیرند. این قوانین، قانون‌های اعمال شده بر مطبوعات از سال ۱۹۸۸ - زمان رویارویی جامعه‌ی روزنامه‌نگار هند با دولت راجیوگاندی - تا سال ۱۹۹۱ - پایان



نخست‌وزیری «چاندرا شکار» که چهار ماه بیشتر به طول نینجامید - را شامل می‌شوند.

علاوه بر این کتاب، کتاب‌های دیگری نیز در مورد مطبوعات هندوستان به چاپ رسیده است. از جمله، کتبی که به بررسی روند تاریخی شکل‌گیری مطبوعات در هند پرداخته، «تاریخچه‌ی مطبوعات شبه قاره»، نوشته ام.اس. ناز و برگردان فرحت حسین مهدی و انجم حمید است. (انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۷۴). این کتاب، تاریخ روزنامه‌نگاری هند را از آغاز - دوران حکومت مغول‌ها و وقایع‌نگاری حوادث در آن دوران - تا عصر حاضر، بررسی می‌کند و دارای مقدمه، ۲۲ فصل و فهرست اعلام شامل اشخاص، مکان‌ها و مطبوعات است. در مقایسه با کتاب «روزنامه‌نگاری در هندوستان»، این کتاب فهرست کامل‌تری از نشریات هند را ارائه کرده است.

نویسنده کتاب، با اشاره به تلاش کمپانی هند شرقی برای تأثیرگذاری بر افکار مردم هند معتقد است که هدف از گسترش و ترویج دانش به وسیله روزنامه‌نگاری، غربی کردن افکار و اندیشه‌های دانشمندان این سرزمین و ایجاد قشر غرب‌زده در هندوستان بود. به گفته لرد میکالی، نایب‌السلطنه، هندوها باید از نظر رنگ و نژاد، هندی و از نظر فکر و عمل انگلیسی باشند (باب ۱۳، ص ۱۸۲). وی، همچنین در مورد کمپانی هند شرقی و تلاش آن در استقرار سلطه انگلستان و نابودی نشانه‌های پادشاهان پیشین هند می‌نویسد: «زبان فارسی، یکی از این نشانه‌ها بود که برای نابود ساختن مقام ممتاز آن، اردو را ترویج کردند، به طوری که در سال ۱۸۳۰ میلادی مقرر شد که زبان اردو، به جای فارسی، زبان رسمی کشور باشد» (باب ۱۱، صص ۳-۱۴۲).

در این کتاب، ارتقا و تکامل چاپ (باب ۴)، روزنامه‌نگاری انگلیسی (باب ۹)، جراید معروف فارسی (باب ۱۰) روزنامه‌نگاری فکاهی (باب ۱۵) و روزنامه‌های معروف انگلیسی و آژانس‌های خبرگزاری (باب ۲۰) هر کدام به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به نظر می‌رسد، تقسیم‌بندی مطالب در کتاب اخیر، به روش بهتر و منظم‌تری انجام شده است.

تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان، جلد اول (پیدایش)، نوشته ناصرالدین پروین (انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۷) و مطبوعات فارسی زبان در قاره آسیا و منطقه قفقاز (۱۹۹۹-۱۷۸۰) تدوین و تألیف

مهدی جعفری خانقاه (مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۸۰)، دو کتاب دیگرند که

به بررسی بخشی از روزنامه‌نگاری هند - نشریات فارسی زبان هندوستان - پرداخته‌اند.

کتاب نخست، با چاپ صفحاتی از برخی نشریات، اطلاعاتی را در مورد قطع، خط، عنوان، بهاء، توزیع، سرلوحه، ستون، محتوا و بخش‌های گوناگون نشریات ارائه کرده است. در این کتاب، پروین پس از بررسی تاریخ، روابط ایرانیان و هندیان و گسترش زبان فارسی در آن خطه می‌نویسد: «در آغاز و پس از حکومت مستقیم انگلیس بر هند، نامه‌ها و سندهای اداری کمپانی هند شرقی به زبان فارسی بود و این شامل دادگاه‌ها و احکام قضایی نیز می‌شد... با تشویق‌های زیرکانه و حساب شده انگلیسی‌ها، اردو، که یکی از زبان‌های مسلمانان آن سرزمین است، رو به بالندگی نهاد» (ص ۳۸). وی، در ادامه می‌افزاید که مهمترین روزنامه‌های انگلیسی زبان هند نظیر ایندیگازت و... دارای ستون‌هایی به زبان فارسی بودند. نویسنده با ارائه این مطالب به اهمیت زبان فارسی در آن منطقه اشاره می‌کند.

در کتاب دوم، «مطبوعات فارسی زبان در قاره آسیا و منطقه قفقاز، همان طور که از نام کتاب پیداست، نگارنده، نشریات فارسی زبان حوزه آسیا و منطقه قفقاز را در دوره زمانی معینی فهرست کرده و در ذیل هر یک، تاریخ نشر، محل انتشار، صاحب امتیاز، مدیر مسئول، ترتیب انتشار، زبان، روش، قطع، تعداد صفحات و توضیحات لازم را ذکر کرده است. در این کتاب، علاوه بر معرفی ۶۹۲ عنوان نشریه و ۲۴ عنوان بولتن به زبان فارسی، نمایه نشریات براساس مکان انتشار، نمایه ناشران، احزاب، سازمان‌ها و نمایه صاحب امتیازان، مدیر مسئولان، سردبیران و مؤسسان آنها نیز ارائه شده است.

در مقدمه کتاب می‌خوانیم که: «نخستین روزنامه فارسی زبان هند (که از سوی کمپانی هند شرقی منتشر می‌شد) ماهیت ملی نداشت و به عنوان یک وسیله ارتباطی در استخدام کمپانی هند شرقی... بود» (ص. ث). نگارنده معتقد است که هدف از تأسیس این روزنامه، نخست نیاز استعمارگران انگلیسی به ارتباطات نوشتاری و حضور قابل توجه فارسی زبانان باسواد در هند بود: «تأسیس روزنامه‌های فارسی زبان در آن روزگار، اهمیت استراتژیک زبان فارسی را به تصویر می‌کشد و نشان‌دهنده‌ی آن است که قلمرو زبان فارسی، فراتر از کشورهای ایران و افغانستان بوده و... از شبه قاره هند تا قفقاز... را پوشش می‌داده است» (ص ث).

علاوه بر این، دانشنامه ادب فارسی در جلد چهارم خود، تحت عنوان ادب فارسی در شبه قاره (هند، پاکستان، بنگلادش) به بررسی



روزنامه‌نگاری فارسی در شبه قاره (از صفحه ۱۲۸۷ تا صفحه ۱۳۰۲) پرداخته است. این دانشنامه در سال ۱۳۷۵ به سرپرستی حسن انوشه و توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه و چاپ شده است. پیش از هرچیز، جای آن دارد که از نویسنده و مترجم محترم این کتاب، تشکر و قدردانی شود. یکی از نقاط قوت این کتاب، ترجمه روان و سلیس آن است که لذت مطالعه و سرعت خواندن مطالب و درک آنها را دوچندان می‌کند.

هرچند نمی‌توان این کتاب را تنها کتاب در حوزه تاریخ مطبوعات هندوستان محسوب کرد، ولی می‌توان به یقین گفت که از انگشت‌شمار ترجمه‌های موجود در این زمینه است. ویژگی دیگر کتاب، معرفی بخش سرنوشت‌ساز از تاریخ هندوستان است. بالطبع، نگارش تاریخ مطبوعات یک کشور، بدون توجه به زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه مورد نظر ممکن نمی‌باشد. این کتاب نیز، بخش مهم و سرنوشت‌ساز از تاریخ هند را به تصویر می‌کشد. یکی دیگر از ویژگی‌های این کتاب، درج‌بخشی از متن مقاله‌ها و ارایه محتوای نشریات گوناگون است. این امر، سبب می‌شود تا خواننده با جو حاکم بر جامعه و حال و هوای نشریات آن دوران، بهتر آشنا شود.

از سویی، به نظر می‌رسد کاستی‌هایی در این مجموعه وجود دارد که زدودن آنها، به بهتر شدن اثر کمک می‌کند. در ترجمه کتاب، برخی از اسامی نشریات به فارسی برگردانیده شده (نشریه نظامی و غیرنظامی به جای Civil and Military Gazette، ص ۹۰؛ هند جوان به جای Young India، ص ۹۸؛ کاوشگر به جای The Inquirer ... و) و برخی دیگر، برگردانیده نشده‌اند (تایمز آو ایندیا، استیتسمن، تریبیون، ... ص ۹۰ و ...). اتخاذ شیوه‌ای یکدست در ترجمه اسامی نشریات، سبب ارتقای سطح ترجمه و شباهتی بیشتر آن می‌گردد. علاوه بر این، نگارش انگلیسی برخی اسامی هندی و انگلیسی در پانویس آورده شده‌اند، ولی بسیاری از اسامی از این قاعده، مستثنا شده‌اند که این امر، علاوه بر عدم ترجمه یکدست، تلفظ نادرست اسامی را نیز به همراه دارد (و اسودنو با لوانت پادکه، ص ۷۹؛ کوپال رائوهارای دشموخ، ص ۷۵؛ کوهانیایال کنگادهار تیلاک، ص ۱۵۸، کرور نیلاکانتان نامبو دریباید، ص ۳۳۳ و ...)

به علاوه زیر نویس برخی از اسامی، بیش از یک بار در پانویس آورده شده‌اند (Dinamani، صص ۳۶۶ و ۳۶۹؛ Chandrika، samachar، صص ۶۱، ۵۵). گاهی دو نگارش فارسی متفاوت برای یک نام ذکر شده است (پراجاوانی، ص ۳۵۶؛ prajavani؛ پراجاوانی ص ۳۵۵) و گاهی در یک صفحه، یک اسم، دو بار در پانویس نوشته شده است (samyukta karnataka ص ۳۵۳).

علاوه بر این، به نظر می‌رسد که مطالب ارایه شده به گونه‌ای است که بار معنایی و عاطفی مثبتی را نسبت به سلطه انگلستان بر

کشور هندوستان القا می‌کند. برجسته‌سازی نکاتی در مورد روزنامه‌نگاران هندی که خواهان حکومت انگلیس بر هندوستان بودند (تفکری که خود انگلیسی‌ها پدید آوردند و به آن دامن زدند)، یا بیان موردی اعمالی از برخی فرمانداران انگلیسی حاکم بر هندوستان که به نوعی به آزادی مطبوعات هند کمک کردند و عدم بیان موردی موارد نقیض، خود حاکی از القای جو مثبت‌اندیشی نسبت به اشغالگران است. این برجسته‌نمایی چنان در لابه‌لای مطالب پنهان شده که خواننده کم اطلاع از تاریخ استثمار و استعمار در کشورهای عقب نگاه‌داشته شده، با مطالعه این کتاب، وجود انگلیسی‌های اشغالگر را نعمتی برای جامعه هند و پیشرفت روزنامه‌نگاری آن محسوب می‌داند.

ذکر این نکته ضروری است که با مطالعه تاریخ مطبوعات هند و با توجه به روند تحول این جامعه مطبوعاتی، می‌توان به مقایسه و بررسی سیر تحول مطبوعات در ایران و هند پرداخت. مقایسه تاریخ مطبوعات دو کشور همسایه ایران و هندوستان، دو کشوری که به لحاظ تاریخی و فرهنگی مشترکات فراوانی دارند، می‌تواند نگرشی فراگیر نسبت به روند رشد مطبوعات در ایران و سمت و سوی احتمالی آن به‌وجود آورد. وجود نهادهای گوناگون قضایی و مجموعه‌هایی که جهت وضع قوانین مطبوعاتی پدید آمده‌اند، از یک سو و شوراها و اصناف مطبوعاتی موجود در هند، از سوی دیگر، می‌تواند زمینه‌ای از تجربه جامعه‌ای مطبوعاتی را فراروی دست‌اندرکاران نشریات ما قرار دهد تا با استفاده از تجربیات کشور همسایه با زمینه‌های فرهنگی مشابه، زمینه رشد مطبوعات کشور ما، با خطای کمتری فراهم گردد و نیاز به آزمون و خطا و در نتیجه، قربانی شدن زمان، این گوهر بازنایافتنی، به حداقل خود رسد.

در پایان، جا دارد از آقای مهدی جعفری خانقاه که بی‌دریغ منابع گوناگون را در اختیار اینجانب قرار داد، تشکر و قدردانی کنم.

پی‌نوشت‌ها:

1. Narada
2. Bengal Gazette
3. Englishman
4. Times of India
5. Madras Times
6. Madras-Mail
7. pioneer
8. Civil and Military Gazette
9. Young India
10. Amrita Bazar Patrika
11. Navjivan
12. Harijan
13. National Herald
14. Hindu
15. Tribune